

آیا تبدیل علم به محصول در علوم انسانی محقق می‌شود

اورانوس تاج‌الدینی^۱، محمد اعظمی^۲، علی سادات موسوی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف امکان‌سنجی تبدیل علم به محصول و تحقق فرایند ترجمان دانش در علوم انسانی کشور با بهره‌گیری از نظرات پژوهشگران شاخص علوم انسانی ایران و ارائه الگوی مناسب این حوزه به انجام رسیده است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی (متوالی - تبیینی) است که شامل دو روش کمی - کیفی و با دو جهت‌گیری اثباتی - تفسیری می‌باشد. ابزار گردآوری داده در بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته و در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر را کلیه اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی سراسر کشور از رشته‌های مختلف علوم انسانی تشکیل داده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های بخش کمی این پژوهش بر معنی‌داری مؤلفه‌های یکی از مدل‌های استاندارد جهانی ترجمان دانش یعنی منبع، محتوا، زمینه، محیط و کاربران پژوهش در علوم انسانی کشور دلالت داشت و نشان‌دهنده تحقق ترجمان دانش در این علوم (۶۰/۲ درصد) بود.

نتیجه‌گیری: با تکیه بر نتایج بخش کمی که دلالت بر معنی‌دار بودن فرایند ترجمان دانش در علوم انسانی داشت، به‌وسیله رویکرد کیفی و انجام مصاحبه با پژوهشگران شاخص علوم انسانی ایران داده‌های حاصله کدبندی، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل شده و یافته‌های بخش کیفی این پژوهش منجر به ارائه الگوی هدفمند ترجمان دانش در علوم انسانی شد.

واژگان کلیدی: الگوی ترجمان دانش در علوم انسانی؛ ایران؛ تبدیل علم به محصول؛ ترجمان دانش؛ علوم انسانی؛ کاربرد دانش.

۲. ضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. Tajedini.o@gmail.com

۲. استادیار، مرکز تحقیقات انفورماتیک پزشکی، پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان (نویسنده مسئول)

۳. معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران Moosavi56@Gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در جهان کنونی تولید کالاها و ارائه خدمات به شدت دانش مدار شده است، بنابراین برای موفقیت در محیط‌های رقابتی دانش محور باید به دانش لازم به شیوه‌ای مؤثرتر از دیگران دست یافت (برینک و بله^۱، ۲۰۰۹). با حرکت جهان به سوی اقتصاد مبتنی بر دانایی، دانش به عنوان محرکه اصلی این مهم به‌شمار می‌رود، بنابراین پیشرفت سازمان‌ها به فراهم‌آوری، کاربرد و مدیریت مؤثر دانش بستگی دارد (کونولی، کورنر و بودن^۲، ۲۰۰۵ نقل در جین، سندهو و سیدهو^۳، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر بقاء و ماندگاری در غوغای دنیای کنونی بستگی به مقابله با چالش‌هایی دارد که مدیریت صحیح دانش می‌تواند پاسخگوی آن باشد. همگام با تالو ارزش دانش و دانایی، شاهد حضور واژگان جدیدی در این حیطه نظیر انتقال دانش، اشتراک دانش، ترجمان دانش و. مانند آن می‌باشیم، که هرکدام حوزه‌های وسیع و نوینی از این حوزه را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان دریچه‌ای نوین به تحلیل بخشی از فرایند چرخه دانش می‌پردازند.

درحالی‌که هنوز در برخی کشورهای در حال توسعه، منابع طبیعی و ذخائر ملی عامل اصلی جهت پیشرفت به حساب می‌آیند و کاهش سرمایه‌های ملی یکی از نگرانی‌های اصلی این کشورها است، ملل صنعتی و توسعه‌یافته ذخائر بی‌پایانی را یافته‌اند که با مصرف بیشتر، همچنان رشد یافته و سود بیشتری تولید می‌نمایند. دانش و سرمایه‌های فکری این ثروت بی‌پایان را تشکیل می‌دهند، ثروتی که ریشه در ذهن پویای بشریت دارد. در دنیای امروزی تولید دانش و به‌کارگیری آن در صحنه عمل و تصمیم‌گیری‌ها بزرگترین سرمایه دولت‌ها و ملت‌ها است و محدودیت منابع اهمیت انتقال دانش و تلاش برای بهره‌برداری از نتایج پژوهش‌ها را افزایش داده است.

در این راستا ترجمان دانش به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی و هسته مدیریت دانش توسط برخی از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که ترجمان دانش به‌خصوص در عصر جاری که سازمان‌ها باید با استفاده از نتایج پژوهش‌ها، علم را به عمل بدل ساخته تا در فضای رقابتی باقی بمانند، بسیار اهمیت دارد و در واقع بدون

-
1. Brink and Belle
 2. Connolly, Corner and Bowden
 3. Jain, Sandhu and Sidhu

ترجمان دانش، دانش و مدیریت دانش اثربخش نخواهند بود و سازمان‌ها به‌گونه‌ای تدریجی قدرت رقابتی خود را از دست خواهند داد. شاخص‌های پیشگویی‌کننده برای افزایش میزان استفاده از نتایج پژوهش توسط سازمان‌ها عبارت از میزان تسلط استفاده‌کنندگان به موضوع پژوهش، میزان معلومات استفاده‌کنندگان، ارتباط بین پژوهشگران و استفاده‌کنندگان، و بستر سازمانی^۱ تصمیم‌گیران است (لاندری^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). با آن‌که موضوع «ترجمان دانش» موضوع جدیدی است که در قرن بیست و یکم پا به منصه ظهور نهاده است اما ایده رفع شکاف میان تحقیق و سیاست حداقل از اواسط قرن بیستم قدمت دارد. در این زمان دانشمندان علوم اجتماعی که تلاش می‌کردند استفاده از پژوهش‌ها را در عرصه سیاست‌گذاری تقویت نمایند، به تدریج توجه خود را به فرایند تصمیم‌سازی معطوف نمودند. امروزه ترجمان دانش به معنای تبادل، سنتز و کاربرد یافته‌های پژوهش به واسطه سیستم پیچیده‌ای از ارتباطات بین محققین و استفاده‌کنندگان از دانش برای تسریع در دستیابی به منافع پژوهش از طریق ارتقاء سلامت، ارائه خدمات و محصولات اثربخش و تقویت نظام مراقبت بهداشتی می‌باشد (دیویس^۳، ۲۰۰۳ نقل در فضلی، ۱۳۹۰). آنچه که در ترجمان دانش بر آن تمرکز می‌شود عملیاتی کردن نتایج پژوهش است و در واقع در این حیطه، چالش‌های پیش روی هر علم در فرایند تولید تا عمل مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکانی مناسب برای انتقال دانش و پیاده‌سازی فرهنگ ترجمان دانش به‌شمار آیند. در واقع دانشگاه‌ها امروزه در فضای رقابتی قرار گرفته‌اند و ضروری است مطمئن شوند که در این محیط دانش خلق و منتقل شده و زمینه استفاده از نتایج پژوهش فراهم می‌شود. از وظایف مهم جامعه دانشگاهی کشف، حفظ، تکامل، انتقال و به‌کارگیری دانش است که در سایه پرکردن شکاف بین پژوهش و کاربرد آن، یعنی ترجمان دانش، میسر می‌گردد. ترجمان دانش مبحثی است که بیشتر در حوزه علوم پزشکی مطرح شده است (سازمان کانادایی تحقیقات خدمات سلامتی^۴، ۲۰۰۰) اما کسب معرفت از پدیده‌ها و رویدادهای انسانی و اجتماعی به‌عنوان واقعیات علمی، هدف بسیاری از

1. Organizational context

2. Landry

3. Davice

4. Canadian Health System Research Foundation

عالمان و اندیشمندان قرار می‌گیرد و علوم انسانی نیز مانند سایر علوم برای شکوفایی در چرخه دانش نیاز به کاربردی بودن و کاربردی شدن دارد.

طی سال‌های گذشته در ایران بسترسازی مناسب برای تسهیل ترجمان دانش در بسیاری از مراکز از جمله دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه علوم پزشکی شیراز به منظور تسریع دستیابی به تغییرات در عملکرد افراد دست‌اندرکار، از جمله پزشکان و پرستاران برای بهبود ارائه خدمات به بیماران و با هدف افزایش آگاهی و نگرش در سطح دانشگاه‌ها و شناسایی اولویت‌های مداخله‌گر انجام شده است که می‌توان امیدوار بود با ورود به مرحله اجرا، نتایج مطلوب و مورد انتظار را موجب گردد (صدیقی و همکاران، ۱۳۸۷)؛ اما در میان علوم مختلف دانشگاهی، دستاوردهای رشته‌های علوم انسانی (منظور از علوم انسانی در این پژوهش کلیه رشته‌های دانشگاهی است که طبق تقسیم‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این حوزه قرار می‌گیرند.) نقشی مهم ولی مهجور در بدنه علمی کشور داشته‌اند که عدم توجه به آنها باعث کاستی‌های زیربنایی در ابعاد مختلف یک کشور می‌شود. بررسی ترجمان دانش در این حوزه علمی به دلایل زیر حائز اهمیت می‌باشد:

(۱) با توجه به پیشرفت روزافزون علوم و استفاده بهینه از آنها، اهمیت به‌هنگام بودن اطلاعات در علوم انسانی و همگامی آن با سایر علوم بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است که تحقق هدف نهایی و آرمانی این علوم زمانی میسر خواهد شد که بتوانند همگام با تحولات فن‌آورانه امروزی به ارائه خدمات به پژوهشگران و استفاده‌کنندگان پردازند و کاربردی بودن و نیز کاربردی شدن نتایج دانش خود را روزآمد سازند.

(۲) عدم توجه به کاربردی شدن علوم انسانی، که انسان بر مبنای آن ساخته می‌شود، معضلات و مشکلات پیچیده اجتماعی، روانی، اخلاقی از جمله افزایش میزان جرم و جنایت، رواج عادات اخلاقی ناپسند، رشد اعمال مغایر با شئون دینی، هرزه‌نگاری‌های اطلاعاتی، نابودی بنیان خانواده‌ها، تأثیر منفی بر نسل‌های آینده، بی‌اخلاقی‌های سیاسی و... را در جامعه باعث خواهد شد.

(۳) فقدان مبحث ترجمان دانش در علوم انسانی که بیشترین تعداد هیأت‌علمی و دانشجو را در دانشگاه‌های کشور به خود اختصاص می‌دهد، نشان‌دهنده ضعف در بدنه علمی کشور و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی خواهد بود.

پژوهشگران، نقشی کلیدی در بهره‌برداری از دانش دارند، از این رو مطالعه نگرش آنها در زمینه فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از دانش اهمیت دارد. ترجمان دانش، گرچه در نگاه اول کمی تازه به نظر می‌آید اما به‌راستی این فرایند از آغاز تولید دانش بشری، با علم تولید شده همراه بوده است. ترجمان دانش، شامل طیف‌هایی مختلف از فعالیت‌هایی است که به وسیله آنها می‌توان پیام به‌دست آمده از پژوهش را به نحو مناسب به گروه هدف انتقال داد. در بسیاری از موارد، منبع داده‌های مربوط به وضعیت ترجمان دانش، اظهارات خود پژوهشگران است که مبنای ارزیابی و برنامه‌ریزی برنامه‌های ترجمان دانش قرار می‌گیرد. «سازمان کانادایی تحقیقات خدمات سلامتی»، اعتقاد دارد که ترجمان دانش تبادل، سنتز و کاربرد یافته‌های تحقیق به واسطه نظام پیچیده‌ای از ارتباطات بین پژوهشگران و استفاده‌کنندگان از دانش را شامل می‌شود.

این پژوهش درصدد است با بررسی تأثیر عوامل مداخله‌گر در ترجمان دانش با استفاده از یکی از مدل‌های این حوزه که توسط انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا^۱ ارائه شده، به بررسی وضعیت ترجمان دانش از دیدگاه جامعه پژوهش که در بطن دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز اصلی تولید علم کشور قلم می‌زنند، پرداخته و سپس با بهره‌گیری از نقطه‌نظرات دانشمندان و اندیشمندان حوزه علوم انسانی به این سؤال اساسی پاسخ گوید که الگوی ترجمان دانش علوم انسانی در ایران چگونه است؟ تا شاید در این مقوله پنجره‌ای رو به فردا باشد.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

مطالعه متون و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی نشان داد که در رابطه با ترجمان دانش و ابعاد مختلف آن پژوهش‌های انگشت‌شماری صورت گرفته است که اصولاً در حوزه پزشکی‌اند، در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. برای آ و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای موانع استفاده از نتایج پژوهش‌ها در بین پرستاران را مورد بررسی قرار داد و این موانع را این‌گونه برشمرد:

1. National Institute on Disability and Rehabilitation Research (NIDRR)
2. Brayer

- عدم وجود وقت کافی
- نداشتن قدرت برای انجام تغییرات
- عدم وجود حمایت مدیران و همکاران (به‌خصوص پزشکان) برای انجام تغییرات مورد نیاز

• نداشتن مهارت برای ارزیابی پژوهش‌ها و عدم درک آزمون‌های آماری
وی اظهار می‌دارد که این موانع به سایر حوزه‌ها نیز قابل تعمیم بوده و در محیط‌های مختلف قابل رؤیت است.

هوسه^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «یک مطالعه موردی ترجمان دانش» به ارزیابی محتوایی فرایند پیوستگی و مبادله فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در گروه سیاست‌گذاری دارو در کشور کانادا پرداخت. وی با یک دیدگاه انتقادی براساس مدل مؤسسه کانادایی تحقیقاتی سلامتی ترجمان دانش؛ با برگزاری کارگاهی پیشروی، تراکنش و انتقال دانش را در جامعه موردنظرش بررسی نموده و در خصوص کنش تقابلی فرایند پیوستگی و مبادله فناوری اطلاعات و ارتباطات به این هنجارها دست یافت:

(۱) به‌کارگیری کنفرانس وب‌پایه^۲ اعضا گروه را مجبور به استفاده از دیگر ابزارهای ارتباطی می‌کند و نیز آنها ناگزیر از تراکنش با متون مربوط برای استفاده از نتایج پژوهش‌ها هستند.

(۲) گروه در حالی که رسانه‌های ارتباطی متفاوتی را به‌کار می‌برند، به توسعه بحث و مشارکت خود در تبادل دانش می‌پردازند.

(۳) گروه عقیده داشتند که بهترین روش ارتباطی برای انتقال دانش شیوه «رودرو»^۳ است.

(۴) «کنفرانس از راه دور»^۴ نیز یک شیوه ارتباطی مناسب برای انتقال دانش است.

کوران^۵ (۲۰۰۹) با هدف تدوین یک مدل تبادل و بهره‌برداری از دانش در بخش‌های اورژانس مطالعه‌ای را به‌انجام رساند که بیانگر معرفی یک مدل با عنوان «تغییر و بهره‌وری از

1. Househ
2. Web-conferencing
3. Face-to-Face
4. Teleconferencing
5. Curran

دانش در عملکرد اورژانس^۱ بود. در این مدل برخلاف سایر مدل‌های ترجمان دانش، به چالشی بودن محیط اورژانس، اهمیت کیفیت ارائه خدمات در این بخش و نیز اهمیت توجه به عناصر دیگری غیر از دانش و پژوهش تولیدشده در به‌کارگیری نتایج پژوهش پرداخته شده است. در این مطالعه متخصصان، افراد عادی و مراجعین نیز به عنوان نقش‌آفرینان فرایند تبدیل دانش تئوری به عمل و استفاده از آن در نظر گرفته شده‌اند. مدل یاد شده در تعمیم به جوامع بزرگتر و اورژانس‌های مختلف موفق عمل نموده است.

تاننا^۲ و همکاران (۲۰۱۱) پژوهشی تجربی با عنوان «بررسی نقش اشاعه‌گزینشی اطلاعات از طریق ایمیل آلرت در تبدیل دانش تئوری به عمل» انجام دادند، در این مطالعه ۱۶۸۳ نفر از اعضای استفاده‌کننده «مجله کلیه‌شناسی^۳» به‌عنوان جامعه پژوهش انتخاب و به‌طور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. سپس ایمیل آلرت مجله به گروه آزمون ارسال و به گروه گواه ارسال نگردید. نتایج مطالعه بیانگر نقش معنی‌دار ایمیل آلرت در ایجاد آشنایی با زمینه کلیه‌شناسی بود، اما نتایج پژوهش نشانگر عدم معنی‌داری ایمیل آلرت در امر ترجمان دانش گردید.

لانه^۴ و روزرز^۵ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «به‌کارگیری سازمان‌های ملی ترجمان دانش: یک مطالعه تطبیقی در مسیر ارزش‌گذاری دانش» یک پژوهش تطبیقی از طریق مصاحبه ساختاریافته با اعضای ارشد و مدیران شش سازمان ملی به‌انجام رساندند که طی آن به این نتیجه دست یافتند که همه این سازمان‌ها به زمینه‌های کاری و موردعلاقه اعضای خود اهمیت داده و نیز علاقه‌مند به اشتراک یافته‌های پژوهشی سازمان خود برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌های خود، با در نظر گرفتن تعهدات سازمانی هستند. آنها عواملی مانند ایجاد، شناسایی، ترجمه، انطباق، کاربرد، ارتقاء، افزایش پذیرش و... را از جمله اعمال لازم بر روی ظرفیت‌های دانشی سازمان خود می‌دانند.

1. Model for Knowledge Exchange and Utilization in Emergency Practice
2. Tanna
3. Nephrology
4. Lane
5. Rogers

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش آمیخته متوالی-تبیینی (ترکیبی) به انجام رسیده است. روش آمیخته یکی از روش‌های متأخر در حوزه علوم اجتماعی و انسانی و مبتنی بر هم‌گرایی پارادایمی است (برگمن^۱، ۲۰۰۸). روش‌های پژوهش ترکیبی درصدد ایجاد نوعی همگرایی و ترکیب دو رهیافت کمی و کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی هستند. روش‌های تحقیق ترکیبی که عمدتاً با پشتوانه نظری پراگماتیسم به‌عنوان یکی از پارادایم‌های مطرح فلسفی- روشی علوم اجتماعی صورت می‌گیرند، آغازگر مرحله جدیدی از توسعه روشی در علوم اجتماعی بوده و به‌عنوان جنبش سوّم روش‌شناسی در علوم اجتماعی مطرح می‌شوند (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹). در روش ترکیبی متوالی- تبیینی در مرحله اول داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند، سپس در مرحله دوّم داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌شوند و در نهایت دو تحلیل کمی و کیفی یکجا مورد تفسیر قرار می‌گیرند (گرین^۲، ۲۰۰۷).

بخش کمی این پژوهش به روش پیمایشی انجام یافته است. در این‌گونه پژوهش‌ها، پژوهشگر شرح مفصّلی از وضعیت موجود را با هدف استفاده از این داده‌ها برای اصلاح یا تعدیل شرایط موجود، جمع‌آوری می‌کند. در همین راستا، در پژوهش حاضر برای تبیین وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی کشور از روش پیمایشی استفاده شد.

بخش کیفی این پژوهش بر اساس نظریه زمینه‌ای^۳ انجام شده است. پژوهشگران کیفی تجربه پژوهشی را نه در قالب متغیرهای مجزاً بلکه با تمامیت و به‌صورت یکپارچه در نظر می‌گیرند. هدف پژوهش کیفی ادراک تجربه پژوهشی به‌عنوان یک کلّ واحد است (حریری، ۱۳۸۵). نظریه زمینه‌ای یکی از انواع روش‌های راهبرد پژوهش کیفی است. نظریه زمینه‌ای، در واقع حقیقتی برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راستا، پژوهشگران به‌جای این‌که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصوّر شده‌ای آغاز کند؛ کار را با حوزه ترجمان دانش شروع کرده و اجازه داده است که نظریه

-
1. Bergman
 2. Greene
 3. Grounded Theory

از دل داده‌ها پدیدار شود، لذا روش پژوهش در بخش کیفی پژوهش حاضر نظریه زمینه‌ای می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای است که با توجه به مدل ترجمان دانش انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا طراحی گردید. با وجود مدل‌های مختلف موجود در ترجمان دانش پژوهشگران این مدل را به علت جامعیت، گویایی، روزآمدی و درعین حال سادگی به‌عنوان پشتوانه نظری پرسشنامه بخش کمی این پژوهش انتخاب کردند.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ است. مصاحبه‌ها به دو صورت مصاحبه رودررو و مصاحبه از طریق پست الکترونیکی^۲ صورت گرفت. مصاحبه‌های رودررو در یک جلسه و مصاحبه‌هایی که از طریق پست الکترونیک انجام می‌شد در دو جلسه انجام گردید. مصاحبه‌های رودررو با استفاده از دستگاه ضبط صدا ضبط شده، هر یک بلافاصله پیاده‌سازی شده و مورد کدگذاری و تحلیل اولیه قرار گرفت. پژوهشگران همچنین به‌طور مداوم یادداشت‌های در عرصه^۳ تهیه می‌کردند. در مورد شرکت‌کنندگانی که امکان مصاحبه حضوری با آنها وجود نداشت، مصاحبه از طریق پست الکترونیکی به‌عنوان روشی نو و مورد قبول (مهو، ۲۰۰۶) استفاده شد. پرسش‌های این مصاحبه براساس موضوع ترجمان دانش و با توجه به مدل انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و باز توانی آمریکا طراحی و در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت. گزارش نهایی پس از کدبندی، طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل آنها تهیه شد.

برازش روایی و پایایی پژوهش

با توجه به این‌که پژوهشگران به پرسشنامه‌ای ملاک که در حوزه ترجمان دانش علوم انسانی تهیه شده باشد، دست نیافتند؛ تلاش گردید تا سؤالات و گویه‌های پرسشنامه به لحاظ

1. Semi Structured Interviews
2. Email interview
3. Field Note
4. Meho

درک برای پاسخ‌دهندگان مبهم نباشد. افزون‌براین، برای اطمینان از مرتبط بودن سؤالات پرسشنامه با متغیرهای مطرح‌شده در سؤالات پژوهش پرسشنامه تهیه‌شده بین ۶ نفر از اعضاء هیأت‌علمی رشته‌های علوم انسانی که در حوزه ترجمان دانش صاحب‌نظر هستند، توزیع شد تا نظرات خود را نسبت به آن بیان دارند. پس از آن اصلاحات موردنظر ایشان، انجام گرفته و سؤالاتی که مبهم و نامربوط تشخیص داده شده بود، حذف گردید و لذا روایی بخش کمی این پژوهش صوری و محتوایی می‌باشد.

در این پژوهش جهت تعیین پایایی پرسشنامه بخش کمی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۸۹٪ تعیین شد که نشان می‌دهد ابزار پژوهش در بخش کمی از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

برای تأمین روایی و پایایی ابزار بخش کیفی این پژوهش از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است استفاده گردید. بدین منظور بر پایه این روش؛ سه معیار اعتبار (باورپذیری^۲)، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. برای دستیابی به هر یک از این معیارها، کارهای زیر انجام گرفت.

- اعتبار (باورپذیری): صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه‌شونده پس از پیاده‌سازی، تأیید فرایند پژوهش توسط چند متخصص، اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران با استفاده از دو کدگذار دیگر برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه، نوشتن یادداشت دامنه و یادآور در طول پژوهش.
- انتقال‌پذیری: کسب نظر و تأیید چند پژوهشگر کلیدی در حوزه علوم انسانی که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش.
- اطمینان‌پذیری: ثبت و ضبط تمامی جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری در تمامی گام‌های کار.

1. Lincoln and Guba
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های سراسر کشور است. به علت گستردگی جامعه مذکور، پژوهشگران ناگزیر به نمونه‌گیری هستند.

جهت نمونه‌گیری در بخش کمی این پژوهش به آمار مربوط به اعضای هیأت علمی متعلق به گروه‌های آموزشی علوم انسانی کشور مربوط به مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری است که تعداد اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی را تا سال ۱۳۹۰، ۲۱۰۴۶ نفر اعلام کرده است، استناد شد. لذا با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به دست آمده برابر است با ۳۸۰ نفر.

$$21046 = \frac{.05.05^2}{.0025} \cong 380$$

$$1 + \frac{1}{21046} \left(\frac{.05.05^2}{.0025} - 1 \right)$$

در بخش کمی این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است که ابتدا دانشگاه‌های موجود را شناسایی نموده و در ادامه کار، دانشگاه‌ها با توجه به رتبه اخذ شده هر دانشگاه دسته‌بندی شده‌اند. در این پژوهش با استفاده از فهرست رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران که از سوی پایگاه استنادی جهان اسلام ارائه شده است، دانشگاه‌های آزاد اسلامی، پیام‌نور و غیرانتفاعی هنگام نمونه‌گیری حذف شدند. البته شایان ذکر است که رتبه‌بندی حاضر بر اساس معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی مصوب ششمین نشست فوق‌العاده وزرای آموزش عالی و تحقیقات علمی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی در شهر جدّه عربستان سعودی است. در این رتبه‌بندی؛ با توجه به وزن هر یک از شاخص‌ها، مجموع امتیازات هریک از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی نرمال‌سازی شده و بالاترین امتیاز به‌عنوان رتبه اول با امتیاز ۱۰۰ مدنظر قرار گرفته و سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات نیز بر همین اساس در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند (پایگاه استنادی جهان اسلام، ۱۳۹۲).

نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بسیار متفاوت از پژوهش‌های کمی است زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. در پژوهش کمی تأکید

زیادی بر انتخاب تصادفی و شانس برابر برای همه اعضای جامعه مورد پژوهش وجود دارد، اما در پژوهش‌های کیفی نمونه پژوهش یا به عبارت صحیح‌تر مشارکت‌کنندگان انتخاب یا دعوت می‌شوند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱).

برای انتخاب نمونه بخش کیفی پژوهش حاضر، از روش متوالی نظری استفاده شده است. در نمونه‌گیری نظری که به عنوان روش غالب در نظریه زمینه‌ای شناخته می‌شود نمونه‌ها به شکلی انتخاب می‌شوند که به خلق نظریه کمک کنند. گروه‌های علوم انسانی سراسر کشور طبق اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری کشور مشتمل بر ۴۷ رشته اصلی مختلف در ۵ زیرگروه متفاوت می‌باشند که ابتدا رشته‌های موردنظر به صورت تصادفی هدفمند انتخاب و سپس در هر رشته، بر اساس هدف پژوهش حاضر سابقه پژوهشی به عنوان شاخص اصلی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شده است زیرا ترجمان دانش اصولاً به فرایند پرکردن شکاف بین پژوهش و عمل اطلاق می‌گردد و کسانی می‌توانند در این مورد به عنوان صاحب‌نظر هر رشته، شاخص قرار گیرند که دارای بیشترین سابقه پژوهشی و بالاترین شاخص هرش^۱ براساس پایگاه اسکوپوس^۲ هستند. نمونه‌گیری تا آنجا ادامه پیدا کرد که پژوهشگران به اشباع نظری^۳ رسیدند. منظور از اشباع نظری شباهت قابل توجه اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها با اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های قبلی است. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری رسید. در این راستا ۱۹ نفر از صاحب‌نظران علوم انسانی مورد مصاحبه قرار گرفتند که از نظر مرتبه علمی عملاً در سه دسته به صورت زیر قابل تفکیک هستند (جدول ۱).

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش در بخش کیفی

سطح نمونه	تعداد مصاحبه
استاد	۸
دانشیار	۷
استادیار	۴
مرئی	۰
جمع کل	۱۹

1. h-Index
2. Scopus
3. Theoretical saturation

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش کمی این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss18 استفاده شده و خروجی‌های لازم استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس برای تعیین رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و ارائه الگوی مناسب، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Lisrel 8.8 استفاده شد.

در بخش کیفی این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و رسیدن به نظریه، از روش کدگذاری نظری^۱ استفاده شد. این روش از این جهت مناسب تشخیص داده شد که روشی استقرایی و اکتشافی است و به عنوان روشی راهگشا، با تجزیه و تحلیل متن به جزءها و مفهومی‌های دقیق، امکان تعریف یک نظریه یا الگو را فراهم می‌آورد. در این روش با مقایسه مداوم در رویکرد نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین^۲ (نقل در ادیب‌حاج‌باقری، ۱۳۸۵) کدگذاری در سه مرحله باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵ انجام گردید. به این ترتیب که پس از نسخه برداری از داده‌ها و ذخیره آنها ابتدا در رمزگذاری باز، رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص یافته و این رمزها در قالب مقوله‌های گویا دسته‌بندی شدند. سپس پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها به رمزگذاری محوری اقدام نموده و سپس در کدگذاری انتخابی به انتخاب مقوله هسته و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها پرداخت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در بخش کمی

در بخش کمی این پژوهش ابتدا وضعیت اجزای مختلف مدل ترجمان دانش انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا؛ یعنی منبع، محتوا، زمینه، محیط ارتباطی و کاربر؛ در ترجمان دانش از دیدگاه اعضاء هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های کشور و در نهایت وضعیت ترجمان دانش به طور کلی مورد بررسی قرار گرفت.

-
1. Theoretical Coding
 2. Straus and Corbin
 3. Open Coding
 4. Axial Coding
 5. Selective Coding

وضعیت منبع پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۹ سؤال بسته از اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی دانشگاه های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع یافته های به دست آمده نشان می دهد ۲۸/۲ درصد از اعضای هیئت علمی در رشته های علوم انسانی وضعیت منابع پژوهشی در ترجمان دانش را ضعیف ارزیابی کرده اند و همچنین ۶۱/۸ درصد از افراد وضعیت منابع پژوهشی را متوسط و در نهایت تنها ۹/۵ درصد از اعضای هیئت علمی وضعیت منبع پژوهشی را خوب ارزیابی کرده اند.

وضعیت محتوای پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۱۱ سؤال بسته از اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی دانشگاه های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع یافته های به دست آمده نشان می دهد ۱۸/۲ درصد از اعضای هیئت علمی در رشته های علوم انسانی وضعیت محتوای پژوهشی در ترجمان دانش را به صورت ضعیف ارزیابی کرده اند و همچنین ۵۶/۶ درصد از افراد وضعیت محتوای پژوهشی را متوسط و در نهایت ۲۰/۵ درصد از اعضای هیئت علمی وضعیت محتوای پژوهشی را خوب ارزیابی کرده اند.

وضعیت زمینه پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۵ سؤال بسته از اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی دانشگاه های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع یافته های به دست آمده نشان می دهد ۲۴/۲ درصد از اعضای هیئت علمی در رشته های علوم انسانی وضعیت زمینه پژوهش در ترجمان دانش را ضعیف ارزیابی و همچنین ۶۶/۶ درصد از افراد وضعیت زمینه پژوهش را متوسط و ۸/۲ درصد از اعضای هیئت علمی وضعیت زمینه پژوهش را خوب ارزیابی کرده اند.

وضعیت محیط ارتباطی پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۷ سؤال بسته از اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی دانشگاه های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع یافته های به دست آمده نشان می دهد ۳۰/۵ درصد از اعضای هیئت علمی در رشته های علوم انسانی وضعیت محیط ارتباطی را در ترجمان را به صورت ضعیف ارزیابی کرده اند و همچنین ۴۶/۳ درصد از افراد این وضعیت را به صورت متوسط و در نهایت ۲۲/۱ درصد از اعضای هیئت علمی آن را خوب ارزیابی کرده اند.

وضعیت کاربران پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۸ سؤال بسته از اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی دانشگاه های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع

یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد ۳۰/۱ درصد از اعضای هیئت‌علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت کاربران را در ترجمان دانش به‌صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین ۵۸/۹ درصد از افراد وضعیت کاربران را به‌صورت متوسط و در نهایت ۱۰ درصد از اعضای هیئت‌علمی وضعیت کاربران را به‌صورت خوب ارزیابی کرده‌اند.

وضعیت کلی ترجمان دانش علوم انسانی کشور با ۶ سؤال بسته از اعضای هیئت‌علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های کشور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد ۷۳/۴ درصد از اعضای هیئت‌علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت ترجمان دانش را به‌صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین ۲۲/۴ درصد از افراد وضعیت ترجمان دانش را متوسط و در نهایت تنها ۳/۴ درصد از اعضای هیئت‌علمی وضعیت ترجمان دانش را خوب ارزیابی کرده‌اند.

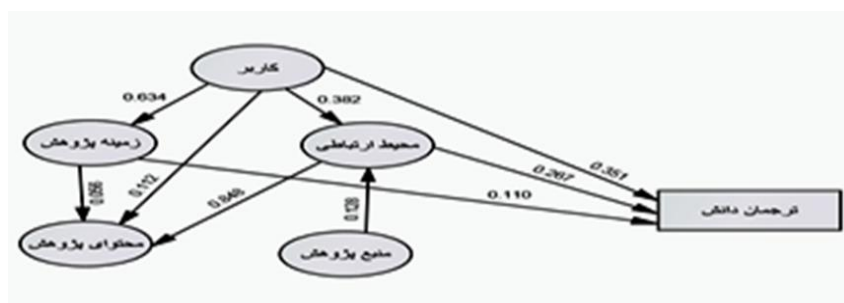
برای اثبات رابطه موجود بین متغیرهای پژوهش و اثبات وجود ترجمان دانش در علوم انسانی با توجه به نظرات اعضای هیئت‌علمی علوم انسانی کشور، تحلیل‌های مرتبط با تحلیل واریانس و رگرسیون متغیر وابسته به‌طور جداگانه با هریک از متغیرهای منبع پژوهش، محتوای پژوهش، زمینه پژوهش، محیط ارتباطی و کاربران انجام شده است. مقادیر ضریب همبستگی چندگانه (ضریب همبستگی چند متغیری) و مجذور آن^۱ با هدف تشریح و تبیین واریانس متغیر وابسته در هریک از متغیرهای مستقل به‌طور جداگانه و به‌صورت توأم و ترکیبی انجام شده است، محاسبات مربوط به خطای استاندارد برآورد، ضرایب همبستگی شامل شیب خط رگرسیون و مقادیر بتا یا ضریب استاندارد شده رگرسیون و مقادیر تی مربوط به هر یک از متغیرها و تعیین سطوح معنی‌داری آن بخش دیگری از تحلیل‌های آماری صورت گرفته، می‌باشد. تحلیل‌های رگرسیون چند متغیری علاوه بر مقدار کل متغیر ترجمان دانش به‌طور تفکیک شده، در اینجا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۲ میانگین‌های مربوط به متغیرهای مستقل را نمایش می‌دهد، به‌طور متوسط با توجه به توزیع نمرات این متغیرها، مقادیر محتوای پژوهش گروه نمونه در کرانه بالای توزیع نرمال قرار دارد.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل					شاخص
	کاربران	محیط ارتباطی	زمینه پژوهش	محتوای پژوهش	منبع پژوهش	
میانگین	۲۰/۳۴	۲۲/۹۷	۱۳/۸۲	۳۳/۵۶	۲۷/۸۶	۴/۱۲
انحراف معیار	۵/۴۶	۷/۳۷	۳/۳۸	۷/۵۰	۴/۱۱	۳/۸۵

این جدول همچنین میانگین متغیر وابسته را نشان می‌دهد، مقدار متوسط شاخص ترجمان دانش ۴/۱۲ می‌باشد، در سطر آخر این جدول اندازه‌های مربوط به انحراف استاندارد به‌عنوان یک شاخص معتبر پراکندگی بیانگر آن است که، بیشترین مقدار تغییرپذیری مربوط به متغیر محتوای پژوهش است. در نهایت برای تعیین رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و اثبات وجود رابطه و استقرار ترجمان دانش، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Lisrel 8.8 استفاده شد و شکل ۱ مبین خروجی این نرم‌افزار و رابطه بین متغیرهای پژوهش است.



شکل ۱. رابطه بین متغیرهای ترجمان دانش و میزان تأثیر هر کدام

یافته‌های پژوهش در بخش کیفی

درخصوص تحلیل مرحله‌ای یافته‌های بخش کیفی این پژوهش می‌توان گفت؛ در مرحله اول با تفکیک و بررسی متون مصاحبه‌ها، کدگذاری باز با جزءبه‌جزء کردن اطلاعات انجام گرفت و به شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره ترجمان دانش در علوم انسانی پرداخته شد و براساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های فنی (حاصل از عملیات

میدانی) ۷۵ گزاره مفهومی احصاء گردید. در مرحله دوم که کدگذاری محوری نام دارد، داده‌های خردشده در جریان کدگذاری باز دوباره کنار هم گذاشته و مقوله‌هایی که بیشترین ارتباط را با مسأله پژوهش داشتند از میان رمزها و یادداشت‌های مربوطه انتخاب شدند. در کدگذاری انتخابی به تعیین مقوله اصلی^۱ و نیز دسته‌بندی سایر مقوله‌ها شامل شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای و عواقب و برون‌دادها پرداخته شد (شکل ۲).

مطالعات پژوهشگران پس از آشکار شدن روابط بین مقولات و تبیین عوامل زمینه‌ای نشان داد که ترجمان دانش با مقوله‌های متفاوتی در ارتباط است. از میان این مقوله‌ها، عوامل مؤثر و بسترهای ترجمان دانش مورد توجه این پژوهش قرار گرفت. پس از انجام مصاحبه‌ها و کدگذاری نظری روابط بین مقولات مشخص و مؤلفه‌های الگوی مفهومی تعیین شدند، سپس پژوهشگران با استفاده از مؤلفه‌های حاصل الگویی بر اساس ۵ مؤلفه پیشنهاد دادند که مشتمل بر تولید دانش، انتقال دانش، اشتراک دانش، محیط پژوهش و کاربرد دانش می‌باشد. ارتباطات دوسویه موجود در این الگو نشان‌دهنده این است که مقولات مرتبط ضمن تأثیرگذاری، از مقوله مقابل خود تأثیر می‌پذیرد. الگوی حاصل در شکل ۳ نشان داده شده است.

مرحله کدگذاری باز: ۷۵ گزاره مفهومی اولیه

علائق فردی (A1)، نیازهای جامعه (A9)، نیاز سازمان‌های ذی‌ربط (A11)، ارضاء ذهن جستجوگر (A12)، نیاز سازمان‌های حمایت‌کننده (A14)، برقراری ارتباط (A16)، تربیت افراد (A21)، کارگروهمی (A23)، ارتقاء فردی (A26)، آینده‌پژوهی (A29)، کسب مدرک (A30)، مسئولیت‌های آموزشی (A31)، مسئولیت‌های اجرایی (A33)، تصحیح اطلاعاتی (B1)، بهینه‌سازی ساختار سازمانی (B5)، طراحی بانک‌های مشترک اطلاعاتی (B8)، رسانه‌ها (B12)، استفاده بهینه آموزشی (B13)، روزآمدی (B15)، شناخت راه‌های تأثیر علمی (B16)، دسترس‌پذیری (B17)، تمایلات اجتماعی (B19)، بازاریابی اطلاعاتی (B21)، شرکت در جشنواره‌ها (B23)، جذب بودجه پژوهشی (B24)، تعیین استانداردهای منتج از پژوهش‌ها (B27)، معرفی‌ها توانمندی‌ها (B28)، شایسته‌پروری (B31)، ایجاد سیستم ارتباطی (B33)، مهارت‌آموزی (B40)، هزینه/ سوددهی (C1)، گسترش تعاملات اجتماعی (C13)، افکار بالنده علمی (C16)، متقاعد نمودن استفاده‌کنندگان (C21)، ساده‌سازی فرایند ارتباط فکری (C23)، جذب سفارش‌دهندگان (C25)، علائق مشترک (C27)، تسهیل ارتباطات (C29)، نیاز مشترک سازمانی (C30)، دسترسی به منابع (C31)، توفیق‌طلبی (C33)، روحیه تیمی (C35)، جلب اعتماد (C36)، پذیرش تغییر (C37)، منافع مالی (C38)، انعطاف‌پذیری (C40)، تکراری بودن موضوعات (C41)، عوامل پژوهشی (D1)، مرزهای ارتباطات (D5) لابی‌های جذب سرمایه‌های پژوهشی (D11)، دیوان‌سالاری (D15)، متولگی‌های پژوهشی (D16)، فقدان بستر مناسب ارتباطات علمی (D17)، موانع سیاسی (D19)، موانع ارتباطی (D21)، حقوق معنوی (D22)، شبکه‌های اجتماعی (D23)، پارک‌های علم و فن‌آوری (D30)، تسهیل ارتباطات از راه‌دور (D34)، نقش شواهد پژوهشی در نظام تصمیم‌گیری (E1)، مسئله اعتماد به یافته‌های پژوهشی (E9)، استفاده از زبان مناسب پژوهشی (E13)، عدم تعهد (E18)، نیازهای فوری (E19)، تعارض منافع (E23)، هوشیاری استفاده‌کنندگان (E25)، تصمیمات علم‌پایه (E26)، تحلیل نیازهای واقعی (E27)، نقشه علمی (E28)، روزآمدی (E30)، پیشرفت‌های فن‌آورانانه (E33)، القاء عقاید جدید (E34)، انگیزه‌انگیزی (E36)، یادگیری (E37)، ارزیابی فرصت‌ها (E38)

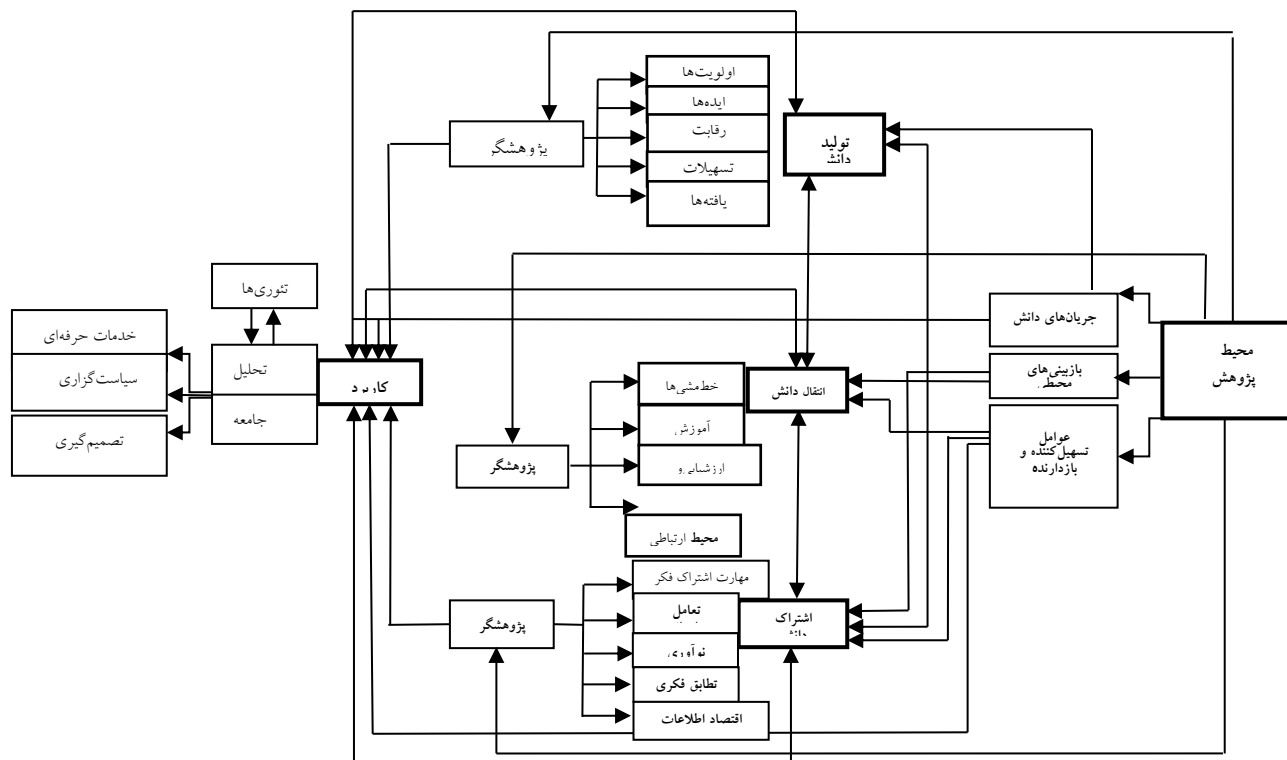
مرحله کدگذاری محوری: ۲۳ گزاره مقوله‌ای

ایده‌ها (۳ مقوله)، اولویت‌های پژوهشی (۳ مقوله)، رقابت (۲ مقوله)، تسهیلات و امتیازات (۳ مقوله)، یافته‌های جدید (۲ مقوله)، خط‌مشی‌ها (۴ مقوله)، محیط ارتباطی (۵ مقوله)، آموزش (۴ مقوله)، ارزشیابی و بازبینی (۴ مقوله)، مهارت اشتراک فکر (۳ مقوله)، تعامل سازمانی (۵ مقوله)، نوآوری (۲ مقوله)، تطابق فکری (۴ مقوله)، اقتصاد اطلاعات (۳ مقوله)، پژوهشگران (۲ مقوله)، جریان‌های دانش (۲ مقوله)، بازبینی‌های محیطی (۲ مقوله)، تسهیل‌کننده‌ها (۳ مقوله)، بازدارنده‌ها (۳ مقوله)، تحلیل

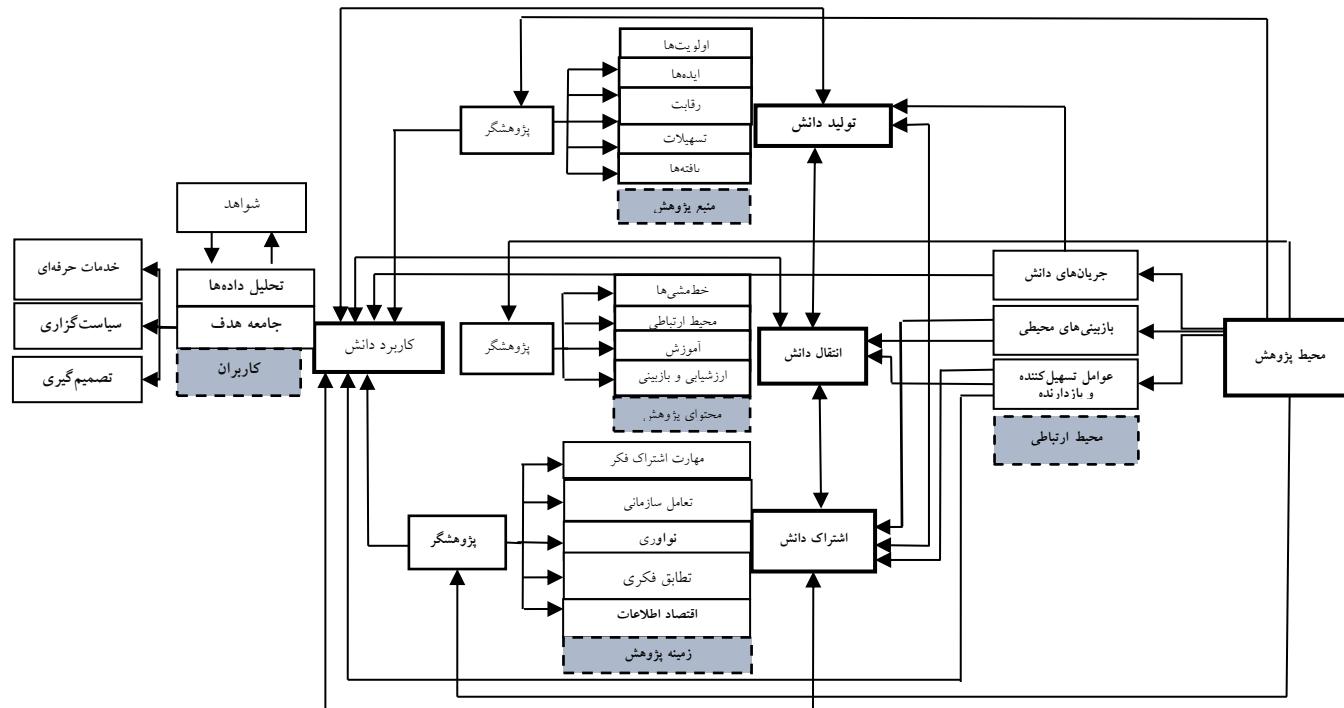
مرحله کدگذاری انتخابی: ۵ مؤلفه الگو

تولید دانش (راهبردها)، انتقال دانش (شرایط علمی)، اشتراک دانش (شرایط زمینه‌ای)، محیط پژوهش (شرایط مداخله‌گر)، مقوله اصلی: کاربرد دانش (پیامدها)

شکل ۲. جریان مدیریت داده‌ها و انتقال به الگو در سه مرحله کدگذاری



شکل ۳: الگوی حاصل



شکل ۴. الگوی پیشنهادی ترجمان دانش در علوم انسانی

بحث و نتیجه‌گیری

مبحث ترجمان دانش، گرچه در نگاه اوّل کمی تازه به نظر می‌آید اما به‌راستی این فرایند از آغاز تولید دانش بشری، با علم تولید شده همراه بوده و اغلب دانشمندان و اندیشمندان به قصد کاربرد دانش دست به تولید آن می‌زدند. ترجمان دانش، شامل طیف‌هایی مختلف از فعالیت‌هایی است که به وسیله آنها می‌توان پیام به‌دست آمده از پژوهش را به نحو مناسب به گروه هدف انتقال داد. در بسیاری از موارد، منبع داده‌های مربوط به وضعیت ترجمان دانش، اظهارات خود پژوهشگران است که مبنای ارزیابی و برنامه‌ریزی برنامه‌های ترجمان دانش قرار می‌گیرد. ترجمان دانش تسریع‌کننده چرخه دانش در راستای تبدیل دانش به عمل و سرعت‌بخشی به کاربردی کردن نتایج تولیدات علمی می‌باشد. دانش ابتدا در ذهن افراد تولید و با اشتراک‌گذاری می‌تواند منشائی برای تولید علم عملی باشند و بدیهی است که عدم استفاده از این علوم به شکل کاربردی در جامعه منبعت تأثیر منفعل کنش‌های انسانی، روانی و اجتماعی خواهد بود. توجه به علوم انسانی و پژوهش‌های انجام شده در آنها باعث رشد معنوی و تفکر بالنده درونی افکار جامعه و تشکیل و تکامل کرسی‌های نظریه‌پردازی هستند و استفاده از یافته‌های آنها تکامل فکری جامعه را در پی خواهد داشت.

تولید دانش در علوم انسانی تلاش در جهت ایجاد بنیان‌های علمی نو و انتشار تفکر زاینده پژوهشگر است. کوششی ممدوح هم‌راستا با پیشرفت‌های ایدئولوژیک و ذهنی جامعه فراگیر این علوم که از پایین‌ترین تا بالاترین اقشار هرم جامعه را دربردارد، تولید دانش نام می‌گیرد. کسانی که دارای سررشته‌ای در حوزه‌های علوم انسانی هستند، می‌دانند که «تولید دانش علمی - دانشگاهی» فعالیت اجتماعی بوده و بر دو محور کار و تعامل اجتماعی استوار است. تولید دانش در واقع تراوشات علمی ذهن پویای پژوهشگران با تکیه بر ایده‌ها و نیازهای فکری آنهاست (شکل ۱). انجام فعالیت‌های علمی - پژوهشی در قالب کتاب، مقاله، طرح پژوهشی، نقد، پایان‌نامه و... رفتار تولید دانش را شکل می‌دهد و یکی از بخش‌های اصلی ترجمان دانش در این الگو به‌شمار می‌رود که در واقع همان منبع پژوهش در الگوی تجربی بخش کمی است. تولید دانش که اصولاً با هدف اکتشاف و ارائه یافته‌های جدید انجام می‌پذیرد، یکی از راه‌های نقب به اولویت‌های علم‌ورزی پژوهشگران است. البته همان‌طور که در الگوی پیشنهادی نیز این نکته مبرهن است که علاوه بر ایده‌های خلاقانه ذهنی که مولد ناب‌ترین تولیدات علمی هستند، عواملی مانند اولویت‌های پژوهشی سازمان‌ها و نهادهای

ذی‌ربط، کسب تسهیلات و امتیازات سازمانی و اجتماعی و نیز حس رقابت موجود میان همکاران نیز از عوامل زیربنایی و انگیزه‌های تولید آثار علمی می‌باشند. واضح است که تمام این عوامل در صورت استفاده سالم، از عوامل موکد قابل احترام و تأثیرگذار هستند. در تولید دانش تأمل در چارچوب‌های مفهومی و هنجاری جامعه علمی سایه‌ای مثبت و روح‌افزا بر سر تکامل چرخه ترجمان دانش خواهد بود. فضلی (۱۳۹۰) در پژوهش خود در ارزیابی اهمیت منبع در به‌کارگیری نتایج پژوهش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی آن را بسیار با اهمیت دانسته، اما ایشان به بررسی کیفیت منابع پژوهشی در حوزه کاری خود نپرداخته است. سالمی و همکاران (۱۳۸۹) منابع پژوهشی حوزه پژوهش خود را در به‌کارگیری نتایج پژوهش مناسب دانسته‌اند اما وقت جامعه پژوهشی خود را برای مطالعه منابع جدید ناکافی ارزیابی کرده‌اند. یزدی‌زاده و نجات (۱۳۸۸) نیز منابع پژوهشی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ارتقاء ترجمان دانش پژوهش مورد توجه قرار داده‌اند.

محافل علمی به مثابه شبکه‌ای هستند که طیف گسترده‌ای از دانش، از جرعه ابتدایی ایده‌ای ذهنی بر اساس هر نوع انگیزه تا نظریه‌ای کلان یا طرح یک پارادایم را دربرمی‌گیرند. تولیدات علمی پژوهشگران در صورت منتقل و قضاوت شدن ارزش علمی یافته و محقق‌یدک کشیدن عبارت تولید علمی می‌شوند. پژوهشگر با آموختن زبان علمی می‌تواند دانش خود را از رهگذر سازوکارهای گوناگونی از جمله نشریات، کتاب‌ها، میزگردها، همایش‌ها، روزنامه‌ها و فضای مجازی و هر نوع رسانه دیگر ارائه دهد. ارزشیابی و ارزش‌گذاری تولیدات علمی به تأیید یا رد این دانش در انعکاس استنادات و استقبال از آن و میزان اعتبارش در عمل بستگی دارد، البته ممکن است برخی از جوامع علمی ایده، نظریه یا دیدگاهی را تأیید و شماری دیگر همان را رد کنند که حاکی از تفاوت در ظرفیت‌های علمی و حسنی هرکدام از محافل علمی می‌باشد. انتقال دانش به هر شکل بر اساس خط‌مشی‌های نهفته در سیاست‌های علمی در سنگر حوزه‌های تعلیم و ترمیم درونی جامعه علوم انسانی نقطه عطفی محسوب می‌شود. این موارد در واقع در پوشش مؤلفه محتوای پژوهش در الگوی تجربی بخش کمی پژوهش قرار می‌گیرند. ارتباط شکل گرفته در فرایند تولید- انتقال نشانگر تکیه بر مآخذ مفهومی و حالات درونی محافل علمی است که بستر این فرایند را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که تولیدات علمی منتقل شده خود رستگاهی برای ایده‌ها و انگیزه‌های نوین آتی خواهند بود. کوران (۲۰۰۹) در پژوهش خود انتشار مقالات بامحتوا در مجلات و ارائه نتایج پژوهشی در کنفرانس‌ها را از مهم

ترین عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های ترجمان دانش معرفی نمود که این امر بیانگر آن است که محتوای نشریات و مجموعه مقالات کنفرانس‌ها می‌توانند به‌عنوان بستری برای استفاده عملی از دانش نقش‌آفرین باشند. نجات و همکاران (۱۳۸۷) دو اصل ساده‌سازی و صحت محتوا را در ترجمان دانش بسیار مهم می‌دانند. در تأیید این نکته می‌توان گفت، خلق محتوای مورداعتماد و قابل فهم برای همه گروه‌های استفاده‌کنندگان هنری است که هر قلمی آستن آن نیست. انتشار آثاری حاوی نکات تفکربرانگیز زاینده محتوای مثبت آثار آتی خواهد بود.

امروزه در دنیای دانش‌بنیان، اشتراک دانش عنصر کلیدی برنامه‌های مدیریت دانش کارآمد و مؤثر است. اشتراک هدفمند دانش در گروه‌های علمی به بهبود یادگیری فردی و سازمانی منجر گشته، خلاقیت را توسعه داده و در نهایت عملکرد مفید فرد، سازمان و گروه علمی را باعث می‌شود. اشتراک دانش ابزاری جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت فرایند فکری فردی و سازمانی در جهت پوشش کاستی‌ها، تقویت فرصت‌ها و ارائه نکات نوآرمانانه و مبتکرانه است. اشتراکات علمی در ابعاد متفاوت اعم از تولید یا کاربرد مولد پیش‌بینی راهبردهای مناسب جهت ایجاد ارتباطات علمی بهینه، کسب وجهه اجتماعی مناسب و دستاوردهای علمی مقتصدانه است. امروزه نهادینه‌شدن سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با اشتراک دانش همگام با تسهیل اشتراکات در سایه فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و دگردیسی تفکر علم فردی و انحصاری، پژوهشگران را در تشریح کوله‌بار علمی خود یاری می‌نماید. اشتراک دانش استفاده بهتر و کارآمدتری را در سازمان به همراه می‌آورد زیرا زمانی که افراد به جذب و کاربرد آنچه می‌دانند؛ می‌پردازند، تبادل، اشاعه و کاربرد دانش افزایش می‌یابد. این موارد یادآور مؤلفه زمینه پژوهش در الگوی بخش کمی است. شرکت‌کننده شماره ۱۲ این پژوهش به نکته جالبی در این مورد اشاره کرد: «پژوهشگری که گروهی را ترک می‌کند، خواه دانشجوی باشد یا استاد، دانش، مهارت‌ها و تجارب ارزشمند خویش را نیز با خود می‌برد و یا افرادی ممکن است در پست‌های جدیدی گمارده شوند و هرگز از آن مجموعه دانش که طی سال‌ها در یک حوزه کسب کرده‌اند، استفاده عملی نکرده و آن دانش را به دیگران نیز انتقال ندهند اما اشتراک دانش می‌تواند راهی برای استفاده و ارائه دانش افرادی باشد که گروه به هر نحو آنها را از دست می‌دهد. یعنی افراد دیگر با استفاده از مهارت اشتراک دانش و تعامل، آن دانش را وارد چرخه ترجمان دانش می‌کنند». استابروکز و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود به تلاش برای بسترسازی مناسب جهت اشتراک دانش اشاره کرده و اشاره می‌کنند که

تأمین امنیت و حفظ حریم خصوصی کاربران به افزایش اعتماد و در نتیجه میزان به اشتراک گذاری دانش کمک می‌نماید. لانه و روزرز (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود ترجمان دانش را یکی از راه‌های ارزش‌گذاری دانش دانسته‌اند و علاقه سازمان‌های مورد مطالعه خود برای اشتراک یافته‌های پژوهشی سازمان خود برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌های خود را با در نظر گرفتن تعهدات سازمانی بیان می‌دارند. اعضاء جامعه مورد مطالعه فضلی (۱۳۹۰) نیز ارتباط بین نتایج پژوهش جامعه خود و دانسته‌های قبلی یا محصولات موجود را دارای اهمیت زیاد در ترجمان دانش ارزیابی نموده است.

محیط و فضایی که اعمال پژوهشی در آن صورت می‌گیرد و مؤلفه‌های مربوط به آن، نقش بسیار پررنگی در چگونگی شکل‌گیری و تکامل چرخه پژوهش دارند. خرده سامانه‌ای که ساختار و چارچوب عوامل زمانی و مکانی مؤثر بر تولید و انتقال دانش را تشکیل داده و به‌عنوان جریان دانش شناخته می‌شود، یکی از عوامل مهم در تثبیت شرایط پژوهش است. تولیدات علمی با قرار گرفتن در معرض عوامل محیطی که فایده‌مندی و مطلوبیت آنها را مورد سنجش قرار می‌دهند، ارزش‌گذاری شده و آبدیده می‌شوند. در واقع محیط پژوهشی و اکاوی نظارت بر چگونگی انتقال و اشتراک دانش را برعهده دارد. تأثیر محیط بر پژوهش و پژوهشگر در سطوح مختلف با عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده و بازدارنده عجین شده است. نکته قابل توجه در این الگو عاملان پژوهشی هستند که یکی از شاخص‌های محیطی انگاشته شده‌اند. عاملان پژوهشی به‌عنوان بعدی غیرقابل تفکیک از شرایط محیط مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته‌اند. این موارد در واقع همان محیط ارتباطی الگوی تجربی هستند. علت این امر تأثیرات مشخص متغیرهای محیطی بر سطوح مختلف رفتار پژوهشی و فکری پژوهشگران است. ایجاد، حرکت، توزیع و پخش دانش بین افراد و پایگاه‌های دانش به‌طور مکانیزه و غیر مکانیزه در یک فضای منحصر و مرتبط به‌صورت دو سویه انجام می‌پذیرد. بدیهی است که تغییر هر مؤلفه در فضای پژوهش ادراکات دانشی عاملان پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا تنها در محیطی مبتنی بر دانش است که پژوهشگران می‌توانند بینش صحیح و دیدگاه‌های علمی خود را همچنان حفظ نموده و با رویکردی مثبت در زمینه ابداع، اشاعه، و افزایش ارزش افزوده اطلاعات گام بردارند. در همین راستا شرکت‌کننده شماره ۱۷ این پژوهش درک پژوهشگران از اصول حاکم بر الگوهای دانش و استفاده عملی از آنها را بخشی از محیط دانشگاه می‌داند. همچنین عقیده شرکت‌کننده شماره ۳ این پژوهش مبنی بر این بود که «ماهیت محیط پژوهش

است که افرادی را تحت عنوان پژوهشگر به تولید، انتقال و کاربرد دانش وامی‌دارد. با وجود همهمه انکارناپذیر فن‌آوری‌های نوین دنیای کنونی، تانا و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود با آن‌که نقش معنی‌دار ایمیل آلرت در ایجاد زمینه آشنایی و پژوهش در موضوعات تخصصی را انکار نمی‌کنند اما به عدم معنی‌داری نقش ایمیل آلرت در امر ترجمان دانش عقیده دارند، در همین راستا هوسه (۲۰۰۸) نیز در خصوص کنش تقابل فرایند پیوستگی و مبادله فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در امر ترجمان دانش بحث کرده است و این فن‌آوری‌ها را در تبادل و انتقال دانش به‌عنوان امری مؤثر و کارا ولی نه بهترین گزینه معرفی کرده و بهترین روش ارتباطی برای انتقال دانش را شیوه «رودرو» می‌داند.

کاربرد نتایج پژوهش‌ها هدف نهایی و آرمانی پژوهشگران است. ایده‌ها و دانش به‌دست آمده، بدون جهت‌گیری در مورد این‌که چه کسی آنها را مطرح کرده است، در صورت مفید و مناسب بودن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حلقه، به آمیختن دانش با عمل توجه دارد. به‌کارگیری نتایج پژوهش‌ها به شاخص‌های پیش‌گویی‌کننده‌ای مانند میزان تسلط استفاده‌کنندگان به موضوع پژوهش، ارتباط بین پژوهشگران و استفاده‌کنندگان و نحوه تشریح دانش وابسته است. پژوهش‌ها آستن شواهد علمی هستند که از تحلیل داده‌ها شکل می‌گیرند. پژوهش‌های علوم انسانی به‌عنوان یک دانش زیربنایی و انسان‌ساز حاوی داده‌های واقعی هستند که ماهیتی کارکردی و سرنوشت‌ساز دارند که عدم درک، اجرا و کاربرد آنها مولد شکاف‌های درونی در جامعه خواهد بود. اصولاً برای استفاده از علوم انسانی موضوع مقدم بر شیوه است زیرا اگر موضوعات مربوط به بطن جامعه نباشد، هیچ حسّی به آن پیدا نمی‌شود و ارتباطی که لازمه مثمر ثمر بودن پژوهش‌ها و تبدیل داده‌ها به شواهد است شکل نمی‌گیرد. یکی از دلایل عدم کاربرد نتایج، غالباً کیفیت پایین مطالعات است که مانع استفاده تصمیم‌گیران جامعه هدف از نتایج پژوهش‌ها می‌شود. لذا یکی از اولویتهای پژوهشگران و سازمان‌های حمایت‌کننده شامل افزایش کیفیت پژوهش‌ها است. دخالت نتایج واقعی پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری؛ بالندگی و ارتقاء در استقرار روح معرفت‌شناختی علوم انسانی در جامعه را در پی خواهد داشت. امروزه منظومه مناسبات علمی علوم انسانی در مارپیچ روابط دانشگاه-جامعه-دولت قابل تبیین است که منظر طلوع ظفرمندانه تطابق فکری علم و عمل در پوسته درونی جامعه به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، روانی و معنوی موجود در دنیای امروزی است. لاندری و همکاران (۲۰۰۳) توانایی کاربر، برای به‌کارگیری نتایج پژوهش‌ها را

امری لازم شماره‌ده که نتایج مطالعه حاضر را تأیید می‌کند. کوران (۲۰۰۹) نیز عقیده دارد عامل دیگری که از نظر جامعه کاربران با اهمیت شمرده شده است آمادگی کاربران برای تغییر دادن یا آزمایش یافته‌های جدید در صورت فراهم بودن تسهیلات است تا استفاده‌کنندگان بتوانند عملکرد خود را به روز نمایند. دانایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود وضعیت عملکردی کاربران را در امر انتقال و ترجمان دانش پایین‌تر از وضعیت مناسب و ایده‌آل ارزیابی کرده‌اند اما در عین حال عقیده دارند که با رفع موانع و ارائه راهبردهای مناسبی همچون، تشویق کاربران به استفاده صحیح از یافته‌های پژوهشی، می‌توان ترجمان دانش در دانشگاه را ارتقاء بخشید.

فهرست منابع

- ادیب حاج‌باقری، محسن. (۱۳۸۵). روش تحقیق گراند‌تئوری. راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران، نشر و تبلیغ بشری.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دانایی، مریم، حسینی، محمدعلی، حبیب‌خدا، بهناز، فلّاحی، مسعود و فروزان، شکوه. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت انتقال (ترجمان) دانش با تأکید بر انتقال یافته‌های پژوهشی در دانشگاه علوم‌بهزیستی و توانبخشی سال ۸۸-۱۳۸۷. دو فصلنامه توسعه آموزش، ۲(۳)، ۹-۱۶. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس پذیر در:
- http://www.zums.ac.ir/edujournal/browse.php?a_code=A-10-3-23&slc_lang=fa&sid=1
- رنجبر، هادی، حقدوست، علی‌اکبر، صلصالی، مهوش، خوشدل، علیرضا، سلیمانی، محمدعلی، بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳)، ۲۳۸-۲۵۰. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس پذیر در:
- http://journals.ajau.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-7-496&slc_lang=fa&sid=1
- سالمی، صدیقه، شکوهی، مصطفی، عیب‌پوش، ساناز، نجات، سحرناز، کاشانی، هما. (۱۳۸۹). شناسایی موانع به‌کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی پرستاران مراکز درمانی کشور. مجله اپیدمیولوژی ایران، ۶(۱)، ۱-۹. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس پذیر در: http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/_/16168.pdf

فضلی، فرزانه. (۱۳۹۰). بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

محمدپور، احمد، صادقی، رسول و رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سوّمین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی. *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۱(۲)، ۷۷-۱۰۰. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس پذیر در:

http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/38113893805.pdf

صدیقی، ژیلا، مجدزاده، سیدرضا، نجات، سحرناز و غلامی، ژیلا. (۱۳۸۷). ترجمه دانش و بهره‌برداری از نتایج پژوهش. تهران: دانشگاه زشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران، اداره انتشارات.

یزدی‌زاده، بهاره و نجات، سیما. (۱۳۸۸). مداخله برای ارتقاء ترجمان دانش پژوهش: چرا و چگونه می‌توان بهره‌برداری دانش حاصل از پژوهش را از طریق مجلات علوم پزشکی افزایش داد؟. *مجله نظریه‌پردازی در علوم پزشکی*، ۳(۳)، ۶۰-۶۴. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس پذیر در:

http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/13690.pdf

Brayer, S., Closs, J., Baum, G., Cooke, J., Griffiths, J., Hostick, T.,... Thompson, D. (2003). The Yorkshire BARRIERS project: diagnostic analysis of barriers to research utilization. *International Journal of Nursing Studies*, 40, 73-84. [http://dx.doi.org/10.1016/S0020-7489\(02\)00039-1](http://dx.doi.org/10.1016/S0020-7489(02)00039-1).

Brink, V. & Van Belle, J. P. (2009). An Exploration of personal factors influencing disposition towards knowledge sharing in a South African context. <http://www.commerce.uct.ac.za/informationssystemsf/staff/personalpages/jvbelle/pubs/Personal%20Factors%20Influencing%20Knowledge%20Sharing%20in%20SA.doc>.

Bergman, M. M. (2008), *Advances in Mixed Methods Research: Theories and Applications*, London: Sage Publications Ltd.

CHSRF: Canadian Health Service Research Foundation (2000). Health services research and evidence based decision making. Annual report of Canadian Health Service Research Foundation. http://www.cfhi-fcass.ca/migrated/pdf/mythbusters/EBDM_e.pdf.

Curran, J. A. (2009). Development of a Knowledge Exchange and Utilization Model for Emergency Practice. Doctoral Dissertation, department of Interdisciplinary PhD Program. Dalhousie University. Halifax, Nova Scotia: Dalhousie University. <http://hdl.handle.net/10222/12314>.

- Estabrooks, C. A., Thompson, D. S., Lovely, J. J. E. and Hofmeyer, A. (2006). A guide to knowledge translation theory. *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26, 25-36. <http://dx.doi.org/10.1002/chp.48>.
- Greene, J. (2007), *Mixed Methods in Social Inquiry*, Jossey-Bass Publisher.
- Househ, M. S. (2008). A Case Study in Knowledge Translation: Developing a Conceptual Framework to Evaluate the Role of Information and Communication Technology on Linkage and Exchange Processes in Distant Drug Policy Group. Doctoral Dissertation, School of Health Information Science, University of Victoria. <http://hdl.handle.net/1828/1358>.
- Househ, M. S. (2008). A Case Study in Knowledge Translation: Developing a Conceptual Framework to Evaluate the Role of Information and Communication Technology on Linkage and Exchange Processes in Distant Drug Policy Group. Doctoral Dissertation, School of Health Information Science, University of Victoria. <http://hdl.handle.net/1828/1358>
- Jain, K. K., Sandhu, M. S. and Sidhu, G. K. (2007). Knowledge sharing among academic staff: A case study of business schools in Klang Valley, Malaysia. *Journal for the Advancement of Science & Arts*, 2, 23-29. <http://www.ucsi.edu.my/cervie/ijasa/volume2/pdf>.
- Landry, R., Lamari, M. and Amara, N. (2003). The Extent and Determinants of the Utilization of University Research in Government Agencies. *Public Administration Review*, 63, 192-205. <http://dx.doi.org/10.1111/1540-6210.00279>.
- Lane, J. P., Rogers, J. D. (2011). Engaging national organizations for knowledge translation: comparative case studies in knowledge value mapping. *Implementation Science*, 6:106. <http://dx.doi.org/10.1186/1748-5908-6-106>.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Newbury Park, CA: Sage Publications. <http://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=2oA9aWlNeoC&oi=fnd&pg=PA5&sig=GoKaBo0eIoPy4qqRyuozZo1CqM&dq=naturalistic+inquiry&prev=http://scholar.google.com/scholar%3Fq%3Dnaturalistic%2Binquiry%26num%3D100%26hl%3Den%26lr%3D#v=onepage&q=naturalistic%20inquiry&f=false>
- Meho, L. I. (2006). E-mail interviewing in qualitative research a methodological discussion. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 57, 1284-1295. <http://dx.doi.org/10.1002/asi.20416>
- Tanna, G.V, Sood, M. M., Schiff, J., Schwartz, D., Naimark, D. M. (2011). DO E-Mail Alerts of New Research Increase Knowledge Translation?. A "Nephrology Now". *Academic Medicine*, 86(1), 132-138. <http://dx.doi.org/10.1097/ACM.0b013e3181ffe89e>